

اصول مکتب ژئوپلیتیک انسانگرا

(نگاهی نو و راهی نو به زندگی سیاسی و اخلاقی ابنای بشر و سازه های انسانی)

از:

دکتر محمدرضا حافظ نیا

استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس

۱۵ فروردین ۱۴۰۱

مقدمه:

ژئوپلیتیک به عنوان شاخه ای از رشته جغرافیای سیاسی دارای ماهیت علمی است و همانند هر نظام علمی دیگری در سپهر معرفتی بشر، دارای دو وجه بنیادی و کاربردی است. وجه بنیادی ژئوپلیتیک به تولید نظریه های علمی و گزاره های نظری و توسعه معرفت شناسی ژئوپلیتیک می پردازد. وجه کاربردی آن ناظر بر تولید نظریه های کاربردی، الگوها و روشهای عملی ژئوپلیتیک در راستای حل مشکلات و رفع نیازهای ملتها، کشورها و جوامع بشری است. دانش کاربردی ژئوپلیتیک می تواند همانند گزاره ها و نظریه های کاربردی سایر رشته های علمی، تا حدی متاثر از جهان بینی، ایدئولوژی، فرهنگ، نگرش و نیز علایق ملتها، بازیگران سیاسی و حکومت ها باشد.

بنابراین دانش و معرفت ژئوپلیتیکی همانند سایر رشته های علمی بشر در ذات خود پسندیده و مفید است و برای پاسخگویی به نیازهای انبای بشر باید پیشرفت نماید.

بر این اساس رویکرد آرمانشهری و نظری/ کاربردی جدیدی در زمینه کاربرد دانش و معرفت ژئوپلیتیکی در راستای بهینه سازی زندگی سیاسی/ اخلاقی انبای بشر، ملتها و سازه های انسانی تحت عنوان مکتب " ژئوپلیتیک انسان گرا " توسط اینجانب (محمدرضا حافظ نیا) پایه گذاری و پیشنهاد شده است. این اندیشه و دیدگاه برای اولین بار در قالب مقاله ای تحت همین عنوان در فصلنامه ژئوپلیتیک در ایران در سال ۱۳۸۶ ش. (۲۰۰۷ م)، و سپس در مجله CONFLITS در فرانسه/ پاریس در سال ۲۰۱۵ م. (۱۳۹۴ ش)، و نیز اصول آن در فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۷، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰ منتشر شده است.


اصول مکتب ژئوپلیتیک انسان گرا

۱- ابتدای مکتب ژئوپلیتیک انسانگرا بر اصل انصاف و مخالفت با زیاده خواهی قرار دارد. این مکتب معتقد است که همه افراد، ملتها و سازه های انسانی بر پایه حق طبیعی که به عنوان مشیت الهی در ذات نظام تکوین و خلقت جهان وجود دارد، و نیز قراردادهای اجتماعی ملی و بین المللی رسمی، باید بطور **منصفانه** از منابع و مزایای موجود در فضای جغرافیایی زیستگاه مربوطه و یا مشترک جهانی بهره مند شوند. بنابراین این مکتب مخالف زیاده خواهی و تعرض به حقوق دیگران است.

➤ ۲- ژئوپلیتیک انسان‌گرا اصالت را به صلح و همزیستی ملتها و سازه های انسانی با یکدیگر، و نیز با طبیعت و موجودات آن به عنوان زیستگاه جغرافیایی آنها می دهد. تجویز کننده روابط مسالمت آمیز و همزیستی و تعاون بین کشورها، ملت ها، حکومت ها، سازه های انسانی ساکن در فضاها، جغرافیایی است و بر همزیستی انسان با طبیعت و عناصر زیستگاه جغرافیایی با هدف حفظ تعادل دینامیکی اکوسیستمهای جغرافیایی خرد و کلان برای زندگی مطلوب و بهینه انسانها در زیستگاه تاکید می نماید.

➤ ۳- ژئوپلیتیک انسانگرا بر پایه حق طبیعی ناشی از نظام خلقت و روابط اکولوژیکی سازه های انسانی با زیستگاه جغرافیایی آنها، اصالت را به انسانها و شهروندان می دهد، و بر این امر تاکید دارد که حقوق شهروندان بر حقوق حکومتها، بازیگران سیاسی و اقتصادی، و کنترل کنندگان قدرت رجحان دارد.

از نظر این مکتب فلسفه حکومتها مردم و شهروندان هستند. بنابراین ژئوپلیتیک انسانگرا حکومت، حکام و مدیران سیاسی فضا را رو بنا و مولود اراده مردم می داند، و شهروندان و مردم را به عنوان صاحبان اصلی فرایند تصمیم گیری و قانون گذاری در قلمرو زیستگاه جغرافیایی آنها، و زیربنای قدرت سیاسی و حکومت به رسمیت می شناسد.



۴- ژئوپلیتیک انسانگرا از جنگ، خشونت و بحران سازی که تولید درد و رنج برای انسانها و نیز تخریب سرمایه ها و حیات انسان ها و نیز تخریب زیستگاه جغرافیایی ملتها و سازه های انسانی را به همراه دارد حمایت نمی کند و جنگ را ذاتا شرمی داند. بلکه به دنبال توصیه راه حل های جنگ زدایی، بحران زدایی و بطور کلی رنج زدایی از زندگی انسانها است.

۵- ژئوپلیتیک انسانگرا در برابر ژئوپلیتیک امپریالیستی قرار دارد. ژئوپلیتیک امپریالیستی، بدنبال ترسیم و توجیه اهداف و اعمال توسعه طلبانه و تجاوز کارانه حکومت ها و دولت ها است. در واقع رویکرد امپریالیستی، که متاسفانه پارادایم غالب در حوزه سیاست خارجی کشورها و روابط بین الملل جهان کنونی است، اندیشه و رفتار دولتها و قدرتهای حاکم، در تجاوز به فضاهای جغرافیایی و زیستگاه دیگر ملتها و سازه های انسانی و تضييع حقوق طبیعی آنها را تایید و توجیه و حتی تجویز می کند. ژئوپلیتیک انسانگرا به شدت با چنین رویکردی مخالف است، و بر این باور است که باید قلمرو جغرافیایی و زیستگاه سازه های انسانی از جمله ملتها از هر نوع تعرض فیزیکی و یا سلطه و نفوذ از سوی دیگران مصون باشد.

۶- ژئوپلیتیک انسانگرا به نظر و خواست اکثریت مردم اصالت می دهد، و بر این باور است که حکومت با حفظ حقوق طبیعی و شهروندی همه افراد و سازه های انسانی، تسلیم خواست اکثریت مردم است. با این وجود حاکمیت برخاسته از اکثریت پیروز که قدرت سیاسی و قانون گذاری را در فرایند دموکراتیک بدست گرفته است، باید همواره حقوق طبیعی بخش اقلیت جامعه، و نیز سازه های اقلیتی و دگر اندیشان را رعایت کند و از اعمال دیکتاتوری قانونی اکثریت بر اقلیت ناراضی پرهیز نماید.

۷- در این دیدگاه، حکومت همواره خود را در معرض نقد مسالمت آمیز و آزادانه مردم قرار می دهد و از طریق شکل دادن به سازوکارهای عمومی و رسمی، مقبولیت خود را بطور دائم مورد سنجش قرار داده و در صورت سقوط آن، داوطلبانه قدرت سیاسی را رها کرده و مردم را برای تصمیم گیری سیاسی آزاد می گذارد. به عبارتی قدرت سیاسی و حاکمیت بطور مسالمت آمیز و از طریق دموکراسی حقیقی، و نه قلابی جا به جا می شود.

در این مکتب روابط حکومت با ملت و شهروندان در قالب **استراتژی اقناع**، و سازوکار تبادل اندیشه و گفت و گوی انتقادی و سازنده و بر پایه خیر و مصلحت عمومی مردم شکل می گیرد.

۸- ژئوپلیتیک انسانگرا از تقابل و کاربرد روش های فرا قانونی و خشونت آمیز امنیتی و نظامی گرایانه با شهروندان مخالف و معترض پرهیز می نماید. همچنین برقراری حکومت نظامی و یا استفاده از نیروهای امنیتی غیر رسمی برای کنترل اعتراضات شهروندان در داخل کشورها را مورد تایید قرار نمی دهد. این دیدگاه اساسا برای برقراری حکومت نظامی در داخل کشورها موافق نیست و هیچ فلسفه و ضرورتی نیز برای آن قایل نیست. در همین رابطه بر نقش آفرینی قانونی و استفاده شفاف از نیروهای قانونی و رسمی امنیتی، پلیسی و قضایی برای مدیریت اعتراضات تاکید می نماید.

۹- ژئوپلیتیک انسان گرا فرآیند تصویرسازی و معماری فکری و ذهنی شهروندان توسط حکومتها و بازیگران سیاسی را که از طریق رسانه ها و با چشم داشت سیاسی و توجیه و مقبولیت پذیری سیاستها و اقدامات ناشایست خود در فضاها و مکانهای جغرافیایی انجام می دهند را مورد واکاوی و افشا قرار می دهد. همچنین به نقد سیاست های قدرت حاکم که در راستای منافع و اغراض سیاسی خود مکان ها و فضاهای جغرافیایی را به بحران و نابودی می کشانند می پردازد. در واقع ژئوپلیتیک انسانگرا گفتمانها، سیاست ها، اقدامات، گزاره ها، و نظریه های شبه علمی و قرار دادن آن در خدمت سیاست و سیاستمدارانی که از رهگذر کاربرد آنها برای انسانها و بشریت درد و رنج و مصیبت می آفرینند را نقد می کند و از آنها بیزاری می جوید.


➤ ۱۰- ژئوپلیتیک انسانگرا، نه با حکومت ها و نه بر علیه حکومت هاست. بلکه در راستای حقوق، منافع و منزلت اکثریت قاطع شهروندان و خیر عمومی، تا آنجا با حکومت ها همراهی می نماید که سیاست ها، برنامه ها و اقدامات آنها در مسیر صلح، امنیت همه جانبه، رفاه، پیشرفت، آسایش، آزادی اندیشه، حق انتخاب سبک زندگی، خیر و صلاح عمومی مردم و شهروندان باشد. بنابراین ژئوپلیتیسین انسانگرا در شرایط سوء استفاده حکومتها از دانش و راهبردهای ژئوپلیتیکی، از آنها فاصله می گیرد.

۱۱- در مکتب ژئوپلیتیک انسانگرا حکومتها، دولتها، نمایندگان و کارگزاران حکومتی ماهیتی و کالتی دارند. بنابراین آنها حق ندارند در باره موضوعی که زندگی و سرنوشت بیش از نیمی (۵۰ درصد) از افراد ملت و یا خانوارهای ساکن در یک فضای جغرافیایی محلی یا ملی را متاثر می کند راسا تصمیم گیری و اقدام نمایند. بنابراین آنها موظفند در امور اساسی و مشترک ملی و عمومی با مراجعه به آرای عمومی (همه پرسی) و رفراندوم، و بر اساس رای اکثریت مردم و شهروندان تصمیم گیری و قانون گذاری و اقدام نمایند. نظیر: تعیین و اصلاح نظام حکومتی و قانون اساسی، تعیین رئیس کشور، تعیین سران قوای سه گانه حکومتی (بویژه رئیس قوه قضائیه)، فرمانده نیروهای مسلح کشور، جنگ و صلح، وضع قوانین سخت گیرانه، تخصیص یا حذف یارانه ها، خصوصی سازی ثروتهای ملی، انعقاد قراردادهای خارجی که تعهدات ملی و سرزمینی دارند، و غیر آن. خوشبختانه رای گیری الکترونیکی فرآیند همه پرسی مستقیم از مردم و شهروندان در امور مختلف را ساده و قابل اجرا کرده است.

۱۲- ژئوپلیتیک انسانگرا بر اساس اصل دینامیسم فکری، علمی، فنی، اجتماعی، فضایی و سیاسی که در زندگی بشر وجود دارد، تاکید می نماید که در راستای روند کمال یابی جهان خلقت، زندگی ابنای بشر و سازه های انسانی باید بطور پیوسته در مسیر تکامل علمی و شناختی، نوسازی، پیشرفت و بهسازی قرار داشته باشد. از اینرو حکومتها، دولتها، رهبران سیاسی و نهاد های بین المللی ذیربط باید تمامی ساختارهای سیاسی ملی و جهانی ناظر بر زیست و زندگی ابنای بشر و سازه های انسانی را بطور پیوسته مورد بازنگری و بهینه سازی قرار دهند تا بتوانند واکنش مناسب را در رابطه با دینامیسم مزبور از خود بروز داده و زمینه علمی، فرهنگی، اجتماعی، ذهنی، فکری، سیاسی، حقوقی، اداری، اجرایی و فناوری تکامل و پیشرفت همه جانبه انسانها را فراهم نمایند. بطور مشخص باید قانون اساسی کشورها، ساختار و منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه سازمانها و نهادهای بین المللی در دوره های ۵ تا ۱۰ ساله مورد بازنگری، بهنگام سازی و بهینه سازی قرار بگیرند.

۱۳- از دید ژئوپلیتیک انسانگرا، سرمایه و سرمایه گذاری یکی از عوامل مهم دینامیسم علمی، فضایی، اجتماعی و سیاسی است. ولی سرمایه گذاری افسار گسیخته و معطوف به ولع سودجویی سرمایه دار و با استراتژی مشتری مداری و شارژ سازی مصرف غیر عقلایی، سرچشمه بسیاری از مصیبت ها و رنجهای بشریت و سازه های انسانی، و نیز تخریب اکوسیستمهای جغرافیایی و بنیادهای زیستی، بی عدالتی اجتماعی و فضایی/جغرافیایی می باشد. بنابراین مدیریت و راهبری سرمایه و فرآیند سرمایه گذاری توسط حکومتها باید در راستای تامین نیازها و منافع مردم و نیز ساماندهی زیستگاه و اکوسیستم جغرافیایی متعادل و قابل زیست و تاب آور برای سازه های انسانی باشد، بطوریکه متضمن سود آوری منصفانه و عقلایی برای صاحبان سرمایه نیز باشد.

۱۴- ژئوپلیتیک انسان‌گرا در حوزه مالکیت و الگوی فعالیت اقتصادی در جامعه، اصالت را به مالکیت خصوصی به عنوان حق طبیعی شهروندان، و نیز فعالیت اقتصادی فردی خرده پا، و فعالیت اقتصادی گروهی بنگاهی و مشارکتی مبتنی بر سهامداری گسترده شهروندان می‌دهد. در این مکتب، دولت سالاری اقتصادی و سرمایه سالاری اقتصادی هر دو مطرود است. در الگوی پیشنهادی مزبور نقش حکومت محدود به مدیریت راهبردی اقتصاد، مشاوره، آموزش، ارتقای دانش و فنون بنگاه داری مدرن اقتصادی، و تنظیم فرآیندهای اقتصادی کشور می‌باشد. اهداف اصلی این الگو عبارتند از: ایجاد اشتغال کامل، توزیع متعادل ثروت در جامعه و فضاهای جغرافیایی کشور، اصالت دادن به نقش شهروندان در اقتصاد، نقش آفرینی اقتصاد ملی در اقتصاد بین الملل، مشارکت معنی دار شهروندان در تامین هزینه های کشورداری از طریق سیستم مالیاتی، بالا بردن سطح آزادی اندیشه و عمل اقتصادی شهروندان، شکوفایی استعدادهای فعالین اقتصادی در جامعه و غیر آن.



۱۵- ژئوپلیتیک انسانگرا تنش زدایی در روابط کشورها، ملتها و سازه های انسانی را یک اصل و ضرورت اساسی در جهت توسعه صلح، همزیستی، امنیت و انسانگرایی می داند. بر این اساس استراتژی گفتگو، تعامل سازنده و دیپلماسی برای تنش زدایی را مورد تاکید قرار داده و آن را به حکومتها و رهبران کشورها، ملتها و سازه های انسانی توصیه می نماید.

۱۶- ژئوپلیتیک انسانگرا از سیاست نظامی گری و تجاوز سرزمینی در روابط بین کشورها و ملتها حمایت نمی کند، و قایل به فلسفه بازدارندگی و مأموریت دفاع و تامین امنیت ملی برای نیروهای نظامی کشورها است. این رویکرد بر این باور است که هستی و قدرت نیروی های نظامی در کشورها (تا زمانیکه کشور به عنوان یک هستی سیاسی / فضایی در جغرافیای سیاسی جهان اعتبار دارد) یک ضرورت است و وجود آن را لازمه صلح و بازدارندگی از تهاجم و جنگ می داند. اما به شدت مخالف سیاستها و اقدامات حکومتها و دولتها در استفاده ابزاری از نیروهای نظامی علیه دیگر ملتها و کشورها می باشد. بر این اساس با حضور و کاربری نیروهای نظامی کشورها در خارج از قلمرو جغرافیایی آنها مخالف است، مگر در قالب نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد.

۱۷- ژئوپلیتیک انسانگرا با توجه به روند فزاینده و الزام آور وابستگیهای متقابل مکانها و فضاها، جغرافیایی و نیز شبکه ای شدن و توسعه سیستمهای کارکردی جهان در مقیاس کروی، و همچنین بدلیل سوء استفاده و یا ناتوانی حکومتها و دولتها در فرآیند کشورداری بهینه و مدیریت سیاسی فضای ملی، و نیز ماهیت رنج آفرین و تنش زای ناسیونالیسم و ملی گرایی برای ابنای بشر، قایل به یکپارچگی مدیریت سیاسی فضای جهانی در کره زمین و ماورای آن است. بر این اساس انحلال سازمان ملل متحد کنونی که تاریخ مصرف آن سپری شده را توصیه نموده و بجای آن استقرار الگوی کروی مدیریت مشارکت بین المللی مبتنی بر دموکراسی جهانی را پیشنهاد می نماید. نمونه تجربی و ابتدایی این الگو پارلمان اتحادیه اروپا است که در مقیاس منطقه ای عملیاتی شده است.

۱۸- ژئوپلیتیک انسان‌گرا در راستای حقوق و منافع مردم و شهروندان با هر نوع دیکتاتوری رنج آور مخالف است و قایل به تحقق موارد زیر می باشد: حق مطلق آزادی اندیشه، حق آزادی بیان و ابراز نظر تا حدی که مخل حقوق دیگر شهروندان نباشد، حق مطلق انتخاب سبک زندگی و الگوی زیست خصوصی و شخصی، حق برخورداری از خدمات مشترک ملی، حق تامین نیازهای اساسی مادی و معنوی، حق پرسش و دریافت پاسخ اقناع کننده از حکام و سیاستمداران و مدیران اجرایی، حق امنیت جانی و مالی، حق ساده سازی فرآیندهای اداری برخورداری از حقوق و خدمات عمومی و نظایر آن. بنابراین از هر نوع دیکتاتوری سنتی و مدرن اعم از دیکتاتوری های سازمانی، اداری، سیاسی، قانونی، حقوقی، فرهنگی، فردی، گروهی، اکثریتی، اقلیتی، ایدئولوژیکی، نخبگی، کاریزمایی، تکنیکی، الکترونیکی، دیجیتالی و غیر آن که موجبات رنج و آزار روحی و جسمی مردم و شهروندان و تضییع حقوق آنها را فراهم نماید بیزاری می جوید.

➤ ۱۹- ژئوپلیتیک انسان‌گرا با تداوم ساختارها، ارزش‌ها، سنتها و باورهای ذهنی/تاریخی و الگوهای اجتماعی و فرهنگی که جنبه محافظه‌کارانه داشته و مانع آزادی، پیشرفت و تکامل اندیشه و سبک زندگی بشر بوده و موجبات رنج و گرفتاری سازه‌های انسانی و نیز تخریب زیستگاه جغرافیایی آنها را فراهم می‌کند مخالف می‌باشد. این مکتب بر این باور است که وظیفه نخبگان علمی، اجتماعی و فرهنگی است که با آزاد اندیشی، شهامت و پیشگامی، ساختارها و الگوهای مذکور را بهینه‌سازی نموده و یا از متن اندیشه و ذهنیت اجتماعی و شهروندی بزدایند، و راه را برای آزادی اندیشه و الگوی زیست و تداوم روند ذاتی پیشرفت و تکامل زندگی بشر فراهم کنند.

۲۰- مکتب ژئوپلیتیک انسانگرا بظاهر آرمان گرایانه و آرمانشهری به نظر می رسد. لکن با توجه به تجارب بشری، آرمان ها در بستر زمان و بطور تدریجی در بطن جامعه رشد نموده و به صورت اندیشه و ارزش مشترک و خواست و اراده عمومی مردم و شهروندان تجلی پیدا نموده و نهایتا به واقعیت تبدیل می شوند. مصادیق متعددی از نموده‌های وجه کاربردی ژئوپلیتیک انسانگرا هم اکنون در جهان وجود دارد. مانند کنوانسیونهای مشارکتی بین المللی، قراردادهای منصفانه بین المللی در خصوص بهره برداری از منابع آبی و بنیادهای زیستی، تشکیل اتحادیه و پارلمان اروپا، الگوی کشورداری شهروند محور در برخی کشورها، اندیشه و کردار انسانگرایانه برخی رهبران سیاسی در جهان و غیر آن.

رویکرد ژئوپلیتیک انسانگرا یک نیاز اساسی برای ابنای بشر و سازه های انسانی از جمله ملتها در جهان امروز و آینده است. رویکردی است برای نجات انسانهای خسته از بحران ها، ناکامی ها و رنج هایی که کج روی حوزه های سیاست، اقتصاد، ایدئولوژی و مهندسی برای بشر ایجاد کرده و می کند.



با تشکر از حوصله و بردباری شما